

بایسته‌های اخلاقی مدرّس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها از منظر معارف حدیثی

* سید حسن محمدی

** زهره عباسی

چکیده

از آنجا که محیط‌های آموزشی، به‌ویژه دانشگاه‌ها وظیفه‌ای مهم در تربیت افراد به عهده دارند، رعایت اخلاق حرفه‌ای استادان دانشگاه‌ها به دلیل تأثیرگذاری شگرف روی دانشجویان امری ضروری است. استادان معارف در دانشگاه‌ها نمونه انسان متدین، وارسته و متخلق به اخلاق الهی تلقی می‌شوند. لذا شایسته است استادان محترم ضمن توجه به اهمیت نقش و وظیفه اجتماعی و الهی خود در قبال نسل جوان، علاوه بر ارتقای سطح علمی خود، بینش و رفتاری متناسب داشته باشند تا بتوانند عملاً در مسیر آشنایی بیشتر فراگیران با اخلاق و تربیت اسلامی گام‌های مؤثرتری بردارند؛ از این‌رو، پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع دینی، به‌صورت توصیفی - تحلیلی به بایسته‌های اخلاقی استاد در سه مرحله قبل، حین و بعد از تدریس پرداخته است. لزوم خودسازی، خودکارآمدی و دانش و بینش، قبل از تدریس و نیز پاکیزگی و آراستگی ظاهری، خوش‌رو بودن و خویش‌داری هنگام تدریس و ضرورت ارتباط مداوم با دانشجویان، هماهنگی گفتار و کردار، پیگیری مباحث درسی و غیردرسی دانشجویان پس از تدریس از جمله ویژگی‌های اخلاقی هر استاد به‌ویژه مدرس معارف اسلامی است. بهترین راهکار برای بهبود اخلاق تدریس، تلاش برای تهیه و تدوین منشور اخلاقی در دانشگاه‌ها با کمک مسئولان امر و صاحب‌نظران و نهادینه کردن این امر در دانشگاه‌هاست.

واژگان کلیدی

بایسته‌های اخلاقی، الگو بودن مدرّس، تدریس معارف اسلامی، معارف حدیثی.

s.h.mohammadi@ut.ac.ir

z.abasi29@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

*. دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول).

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قاینات.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

طرح مسئله

در اکثر دانشگاه‌های معتبر دنیا، بدون استثنا در بیشتر رشته‌های درسی، دانشجویان علاوه بر گذراندن دروس اختصاصی، باید دروسی را تحت عنوان دروس عمومی که دارای اهداف تعریف‌شده‌ای است، آموزش ببینند. از این رو لازم بود دروس مرتبط به‌گونه‌ای طراحی شوند که از لحاظ محتوا و ارائه آن، سطح بالایی داشته باشند. پس از انقلاب اسلامی که نظام آموزشی کشور از فرهنگ و سیستم آموزشی خاص تبعیت می‌کند، ضرورت ارتقای ارزش‌های دینی و آگاهی‌های معنوی و مذهبی در مراکز آموزش عالی احساس شد. بر این اساس، ستاد انقلاب فرهنگی برای رسیدن به این هدف، دروسی را تحت عنوان دروس معارف در حوزه‌های شناختی، تاریخی، سیاسی و اخلاقی که بر پایه مکتب اسلام است، معارف و آموزه‌های اسلام تدوین و به وزارت فرهنگ و آموزش عالی پیشنهاد کرد که به موازات دروس لازم در هر گروه دانشگاهی که باید دانشجو آن‌ها را فراگیرد و واحدهای مربوط را بگذراند حدود دوازده واحد را به نام واحدهای معارف اسلامی تجویز و برنامه‌ریزی کند.

در میان ادوار زندگی انسان‌ها، دوره جوانی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی او به حساب می‌آید. در این دوره طبق بیان علوی، مبانی اعتقادی انسان شکل می‌گیرد.^۱ وجود چنین اهمیتی باعث شد برخی نهادها و مؤسسات، به‌خصوص دانشگاه‌ها با برگزاری نشست‌ها، سخنرانی‌ها، کرسی‌های آزاداندیشی و...، با رویکرد معارفی، جوانان را با آموزه‌ها و معارف اسلامی آشنا کنند.

در این فرایند محوری‌ترین فرد برای انتقال مفاهیم دینی به دانشجویان «استاد» است. جایگاه و اهمیت استادی در منابع دینی آن‌قدر بالاست که همه جنبندگان روی زمین و ماهیان دریا و تمام موجودات کوچک و بزرگ زمین و آسمان از خداوند برای آنان طلب آمرزش می‌کنند. حتی انبیا و شهدا بر آنان غبطه می‌خورند و در حسرت جایگاهشان هستند.^۲ اهمیت امر تدریس به قدری بالاست که بر هر استاد و نهادهای مرتبط با آن قبل از ورود به فرایند تدریس، لازم است بایسته‌های اخلاقی‌ای را که استاد باید بدان متخلق باشد کشف کند تا بتواند به‌درستی به اهداف مطلوب دست یابد. از این رو پژوهشگر بر آن است در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع دینی، به‌صورت توصیفی و گاه تحلیلی به موارد اخلاقی‌ای اشاره کند که استاد قبل، حین و بعد از تدریس به آن ملتزم است.

مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث، لازم است برخی اصطلاحات پرکاربرد در این مقاله همچون اخلاق، بایسته‌های

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. فتال نیشابوری، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، ج ۱، ص ۲۲۶.

اخلاقی و مدرّس معارف اسلامی بررسی شود:

یک. اخلاق و بایسته‌های اخلاقی

اخلاق از ماده «خ ل ق» به معنای ایجاد کردن شیء به کیفیت مخصوص است.^۱ اهل لغت بین خُلُق و خُلُق فرق گذاشته‌اند و خُلُق به ضم خاء را به قوا و سجایایی که با بصیرت درک می‌شوند معنا کرده‌اند و خُلُق به فتح خاء را به هیئت و اشکال و صوری که با چشم قابل رؤیت و درک‌اند (طبیعت انسان) تعبیر کرده‌اند.^۲ علمای اخلاق و اندیشمندان غربی برای اخلاق تعاریف متعدد و متفاوتی ارائه کرده‌اند. علمای اسلامی اخلاق را حالتی نفسانی می‌دانند که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به سمت انجام کار حرکت می‌دهد.^۳ اندیشمندان غربی نیز اخلاق را مجموعه‌ای از رفتار می‌دانند که هر انسانی با مراعات آن‌ها به اهدافش می‌رسد.^۴ از مجموع این تعاریف به دست می‌آید که بزرگان مسلمان اخلاق را صفات راسخ نفسانی می‌دانند که اکتسابی و منبع رفتار و کردار خارجی است؛ اما اندیشمندان غربی در تعریف اخلاق بیشتر بر فعل و رفتار اخلاقی تکیه کرده‌اند.

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی اخلاق، مراد از بایسته‌های اخلاقی در این پژوهش، گزاره‌هایی هستند که از آیات و روایات منتزع می‌شوند و بر هر استاد معارف لازم است خود را بدان متخلّق کند.

دو. مُدرّس معارف اسلامی

واژه «مُدرّس» اسم فاعل از ماده «د ر س» و مصدر آن تدریس است. تدریس در علوم تربیتی مفهوم نام‌آشنا برای معلمان و مجریان برنامه‌های درسی است ولی معلمان به‌ندرت با معنا و ماهیت درست آن آشنا هستند؛ چراکه برداشت آنان از مفهوم تدریس با مفاهیمی همچون پرورش، آموزش و حرفه‌آموزی یکسان انگاشته می‌شود. مفهوم تدریس به آن بخش از فعالیت‌های آموزشی اطلاق می‌شود که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می‌افتد.^۵ بدین‌روی تدریس عبارت از هم‌وزری متقابلی است که بین معلم [یا مدرّس] و دانش‌آموز و محتوا در کلاس درس جریان دارد.^۶ با این تعریف پیداست مراد از مدرّس در این

۱. مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۳، ص ۱۱۵.

۲. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱۰، ص ۸۷؛ راغب اصفهانی، *مفردات*، ص ۲۹۷.

۳. ابن‌مسکویه، *کیمیای سعادت*، ص ۵۸ - ۵۷؛ فطض کاشانی، *الحقایق فی محاسن الاخلاق*، ص ۵۴؛ فیض کاشانی، *المحجّة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، ج ۵، ص ۹۵.

۴. مدرّسی، *فلسفه اخلاق*، ص ۱۸؛ ژکس، *فلسفه اخلاق*، ص ۱۰.

۵. شعبانی، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی*، ج ۲، ص ۱۰.

۶. همان، ص ۱۲۱.

پژوهش، مهم‌ترین رکن از فرایند تدریس است که با فراهم آوردن شرایط و ایجاد رفتار متناسب، آموزش و پرورش را آسان می‌کند. منظور از مدرس معارف اسلامی استادانی است که احاطه کامل علمی در حوزه معارف دینی و اسلامی دارند و در دانشگاه‌های سراسر کشور با ادبیات علمی، صاحب استدلال، صاحب منطق با چارچوب معین و ابزارهای مشخص‌اند و طبق قوانین آموزش عالی وزارت علوم تدریس می‌کنند.

بایسته‌های اخلاقی در تدریس

رفتارهای فردی و اجتماعی انسان بر اساس جهان‌بینی و نوع تلقی او از جهانی که در آن زندگی می‌کند و درستی و نادرستی رفتارها بر پایه بینش صحیح و ناصحیح انسان از عالم هستی است. در تعالیم اسلامی معلم که احیاکننده جامعه است^۱ نقش مهمی در شکل‌گیری جهان افراد دارد. با این توصیف، یکی از شروط مهم و زیربنایی در استاد معارف اسلامی بینش و رفتاری متناسب با معارف اسلامی است؛ چراکه آثار علم ابتدا باید در معلم مشهود شود تا متعلم از او الگو بگیرد و متأثر از آثار علم به عمل روی آورد. این پژوهش بر آن است تا با استناد به آیات و روایات، به مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی استاد در سه مرحله قبل، حین و بعد از تدریس اشاره کند.

یک. بایسته‌های اخلاقی قبل از تدریس

برای اینکه استاد معارف اسلامی بتواند تأثیر مطلوبی روی دانش‌پژوهان و دانشجویان داشته باشد، لازم است پیش از ارائه تدریس، سیره و رفتار خود را به این موارد بیاراید:

الف) خودسازی

خودسازی و تهذیب نفس از مسائل مهمی است که به‌طور فراوان مورد تأکید و توجه آیین مقدس اسلام قرار گرفته است و نقش محوری و اساسی در رسیدن انسان به مدارج عالی انسانی و کمالات اخلاقی دارد. قرآن کریم تزکیه و تهذیب نفس را عامل رستگاری و راه وصول به سعادت معرفی کرده است و فساد اخلاق را منشأ رذالت‌ها و بدبختی‌ها و مایه زیان می‌شناسد.^۲ در روایات فراوانی به‌طور مکرر دعوت به پیکار با تمایلات نفسانی شده و از این عمل به‌عنوان جهاد اکبر یاد شده است.^۳

استاد معارف اسلامی علاوه بر تسلط به فنون و روش‌های تدریس، باید از ویژگی‌های تربیتی و

۱. مائده / ۳۲.

۲. شمس / ۱۰ - ۹.

۳. حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۵، ص ۱۶۳؛ تمیمی آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۴۶۹.

اخلاقی نیز بهره‌مند باشد؛ چراکه میزان دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت نسبت مستقیم با میزان بهره‌مندی استاد با مفاهیم اخلاقی دارد. امام صادق علیه السلام در حدیث معروف «عنوان بصری» علم را در زیادی تعلم نمی‌دانند، بلکه علم را همانند نوری بیان می‌کنند که خداوند در قلب هر که او بخواهد قرار می‌دهد. حضرت طلب علم را در حقیقت بندگی خلاصه می‌کنند.^۱ در تعالیم اسلامی نقش هر استاد و دانشمندی همانند کشتی‌ای است که با شکسته شدنش، موجب غرق شدن خود و دیگران می‌شود.^۲ مدرس معارف دینی قبل از تدریس ابتدا باید به امر خودسازی مشغول شود؛ به گونه‌ای که دیدن او آدمی را به یاد خدا اندازد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که معلم بشرند پیش از بعثت، برای کسب آمادگی پذیرش مسئولیت خطیر تعلیم و تربیت، با عبادت و راز و نیاز مشغول خودسازی بودند. امام علی علیه السلام درباره کسی که بخواهد امام و راهبر دیگران باشد، تعلیم خویش را مقدّم بر تعلیم دیگران می‌دانند تا بدین وسیله با سیره و رفتار خود معارف الهی را انتقال دهد، و تربیت خود را بزرگ‌تر از تربیت مردم می‌دانند.^۳

ب) خودکارآمدی

خودکارآمدی از مفاهیمی است که روان‌شناسان از راه مطالعه خصوصیات انسان و با مطالعات تجربی به آن دست یافته‌اند. از برخی آیات قرآن کریم می‌توان خودکارآمدی را استنباط کرد.^۴ خودکارآمدی تدریس^۵ به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های استاد در جهت تعلیم و تربیت مؤثر شناخته می‌شود. با خودکارآمدی انگیزه‌های لازم برای به‌کارگیری راهبردهایی برای بهبود وضعیت کلاسی و تحصیلی دانشجویان ایجاد می‌شود. استاد موفق و کارآمد کسی است که پیش از تدریس، از شایستگی خود برای پذیرش امر تدریس و تعلیم اطمینان حاصل کند و همواره به دنبال راهکار تازه و جدید برای افزودن معلومات خود و دانشجویان و نیز راهی برای تسهیل فرایند یادگیری است؛ چراکه مطالعات مرتبط و آگاهی از متدهای تدریس از پیش‌بایسته‌های امر تعلیم و تعلّم است و یکی از اساسی‌ترین شرط‌های استاد معارف فراگیری علوم مربوطه و روش‌های جدید تدریس آن است.

ج) دانش و بینش

از مهم‌ترین شاخصه‌های استاد موفق دانش و بینش است. استاد با این ویژگی خواهد توانست آموزشی

۱. شهید ثانی، *منیة المرید فی آداب المفید و المستفید*، ص ۱۴۹.

۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، *مناقب آل ابی طالب* علیهم السلام، ج ۱، ص ۴.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۷۳.

۴. بنگرید: بقره / ۲۴۹ و ۲۵۸؛ یوسف / ۳۳ و ۴۹ - ۴۶؛ کهف / ۹۶ - ۹۵؛ انبیاء / ۵۸؛ نمل / ۴۰.

صحیح و پرثمر را محقق کند و در پرتو آن، از هشیاری و توانایی لازم برای اینکه زمان صحیح هر کار و هر اقدام و محدوده آن را در آموزش تعیین کند، برخوردار خواهد شد.

استاد به وسیله دانش که توشه و ذخیره‌ای اکتسابی است، می‌تواند در طول مسیر پرفرازونشیب آموزش، قوت عقلی شاگردان خود را محقق سازد. دانش از راه تعامل با محیط، خواندن، دیدن و تجربه کردن به دست می‌آید و باعث می‌شود استاد علم به احوال و اطراف داشته باشد و بر این اساس، مسائل و پدیده‌ها را بهتر بشناسد و به کار گیرد. بخشی از بینش یا بصیرت ذاتی است که در سرشت انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است. بصیرت در لغت عربی به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است.^۱ برخی گفته‌اند: بصیرت معرفت و اعتقاد حاصل شده در قلب به امور دینی و حقایق امور است.^۲ بینش جوهر اصلی هر اقدام و تفکری را شکل می‌دهد و باعث می‌شود کارها کورکورانه انجام نشود و برای هر جزء و بخش کوچک و بزرگ، اندیشه و تفکر و دلایل متقن وجود داشته باشد. اصولاً انسان مؤمن و متقی از نظر قرآن کسی است که درک درستی از وقایع جاری جهان و جامعه داشته باشد و آن را بر اساس حقایق هستی تحلیل کند و مسیر درست را بشناسد و بر پایه آن بر وقایع جامعه و جهان تأثیرگذار باشد.^۳

خداوند در آیه ۱۰۸ سوره یوسف دعوت از دیگران را از زمانی درست و سالم می‌داند که برخاسته از بصیرت و بینشی روشن و درست باشد. در این زمان است که می‌توان دیگران را به کاری خواند و آنان را به امری توصیه کرد. بر این اساس، کسانی که در کارهای خویش بدون بینش درست و روشن گام برمی‌دارند خود گمراه‌اند و دیگران را نیز به گمراهی می‌کشاند و می‌بایست از آنان پرهیز و دوری کرد و از اطاعت آنان سر باز زد.

د) اخلاص

از دیدگاه کلام وحی، جاودانگی هر عملی به خلوص نیت نیاز دارد و بدون این ویژگی اعمال افراد ارزش واقعی نخواهد داشت.^۴ بنابراین نخستین گام توفیق در عرصه تعلیم، خالص بودن نیت است و معلم شایسته در آموزش متعلمان خود فقط و فقط به خاطر خدا انجام وظیفه می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «الْمُعَلِّمُ لَا يَعْلَمُ بِالْأَجْرِ وَيَقْبَلُ الْهَدِيَّةَ إِذَا أُهْدِيَ إِلَيْهِ؛^۵ معلم به خاطر مزد درس نمی‌دهد، [بلکه برای خدا و با

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۲، ص ۴۱۸.

۲. فراهیدی، *العين*، ج ۱، ص ۱۶۶.

۳. هود / ۲۴ - ۲۳؛ رعد / ۱۶ و ۱۹؛ فاطر / ۳۵؛ غافر / ۵۸.

۴. کهف / ۱۱۰؛ زمر / ۳.

۵. حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۷، ص ۱۵۶.

خلوص نیت آموزش می‌دهد] و هرگاه هدیه‌ای به او دادند، آن را می‌پذیرد.» از شرایط معلم داشتن إخلاص است. تأثیر نیت تا آن حد است که انسان به صرف هواداری از گروهی، در پاداش و جُرم با آن‌ها شریک می‌شود؛ همان طوری که تن آدمی شریف است به جان آدمیت، شرافت عمل آدمی نیز بستگی به جان آن دارد که إخلاص است. معلم باید از صمیم جان احساس کند نتیجه کاری که به وسیله آموزش درباره دیگران انجام می‌دهد، دیر یا زود دامن‌گیرش خواهد شد.

اگر اعمال و رفتار انسان صاف و خالص باشد، جاودانه می‌شود و سرّ جاودانگی حرکت انبیا و اولیا هم ناشی از اخلاص آن‌هاست. قرآن کریم یکی از صفات پیامبران را اخلاص معرفی می‌کند و درباره حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: «موسی را در کتاب یاد کن که او بنده خالص شده بود و پیامبر فرستاده بود.»^۱

اخلاص و یک‌رنگی موجب ثبات شخصیت و ریاکاری نشانه تزلزل شخصیت آدمی است. بنابراین معلم که با إخلاص کار کند و ایمان به کاری که انجام می‌دهد در عملش معلوم باشد، به‌طور قطع، افرادی را پرورش می‌دهد که در نهایت مانند او خواهند شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند فرمود: اگر بنده خود را دوستدار إخلاص و خداجوی بیایم، اداره امور او را شخص خودم به عهده می‌گیرم و کار او را به دیگران واگذار نمی‌کنم.»^۲ بالاترین مرتبه إخلاص آن است که هرگاه شخص عملی را انجام می‌دهد، به کمترین اجر در دو عالم چشم نداشته باشد و نظر او فقط رضای حق باشد و به‌جز او، مقصود و مطلوبی نداشته باشد.

ه) اهتمام به مطالعه

استاد نمونه باید همواره در تلاش و کوشش برای کسب معارف و مطالب علمی تازه و نوین باشد و از لحاظ معرفتی و علمی همگام با زمان پیش برود و تنها خود را محدود به اندوخته‌ها و دانش‌های قبلی نکند، بلکه با مطالعه از علوم جدید هم اطلاع یابد و همواره اطلاعات روز را به شاگردان خود منتقل کند. این مطالعه و یادگیری اطلاعات روز در تقویت روحیه علمی و معرفتی استاد و دانش‌آموزان مفید است. استاد همواره باید بکوشد در کارش مداومت داشته باشد. بنابراین همه عالمان جامعه اسلامی باید با تدبیر و تعقل در آیات قرآن و سخنان نورانی پیامبر و اهل‌بیت علیهم السلام در زمینه تعلیم و تربیت ابتدا به خودسازی بپردازند و سپس به تعلیم و تربیت اسلامی دانش‌آموزان همت گمارند تا بدین‌وسیله نسلی متعهد و انسان‌هایی خدانشناس و خداجو به جامعه اسلامی تحویل دهند و گام‌به‌گام جامعه را به اهداف آرمانی اسلام نزدیک سازند و مدینه فاضله را تحقق و عینیت بخشند.

عالم باید علم خود را به دیگران بیاموزد؛ زیرا علم رزقی است که خداوند بدو عطا کرده و از او انفاق

۱. مریم / ۵۱.

۲. محدّث نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۴، ص ۴۸۲؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۸۲، ص ۱۳۶.

آن را خواسته است: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۱ امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «مِمَّا عَلَّمْنَاهُمْ يَبْتُلُون»^۲ از آیات ۶۵ تا ۷۰ سوره کهف دو ویژگی را می‌توان برای معلم و مربی دریافت که با آیات دیگری نیز تأیید می‌شوند:

۱. خود به آنچه تعلیم می‌دهد عالم باشد؛^۳

۲. استعداد متعلم را بشناسد و هر موضوعی را به هر کسی نیاموزد.^۴

در آیات دیگر به صفاتی دیگر نیز برای معلم برمی‌خوریم؛ مانند عمل به علم و الگو بودن برای متعلم،^۵ اخلاص در تعلیم و تربیت،^۶ ترس از خدا،^۷ تواضع،^۸ اهتمام به انجام وظیفه تعلیم و تربیت،^۹ عدم سخت‌گیری و اجبار،^{۱۰} رأفت و مهربانی به متعلم و متربی، که از تناسب صفت «الرحمن» با فعل «علم القرآن» در آیات اول و دوم الرحمن^{۱۱} به دست می‌آید،^{۱۲} غافل نشدن معلم از تربیت خود و تکاپو و تلاش برای رشد خود که از توصیه گفتن دعای «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»^{۱۳} به پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده می‌شود و عشق و علاقه به پیشرفت شاگردان.^{۱۴} افزون بر این، از آیه ۳۳ فصلت فهمیده می‌شود که تعلیم معارف الهی، هرگاه با عمل صالح و تسلیم معلم در برابر حق همراه شود، او را در زمره بهترین انسان‌ها قرار می‌دهد.

دو. حین تدریس

استاد شایسته کسی است که با رفتار خود دانشجو را به کسب فضایل ترغیب و از آلودگی به ردایب اخلاقی دور کند. از این‌رو، استاد معارف اسلامی با رعایت موارد اخلاقی، علم را در مقام عمل می‌آورد و آن را به دانشجو می‌آموزد. البته ناگفته نماند که هرچند زمینه‌های پیدایش موارد پیش رو قبل از تدریس

۱. بقره / ۳.

۲. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۱، ص ۱۲۲؛ عروسی حویزی، *تفسیر نور الثقلین*، ج ۱، ص ۲۶؛ فیض کاشانی، *الصادق*، ج ۱، ص ۹۳.

۳. نیز بنگرید: مریم / ۴۳.

۴. حلی، *مختصر البصائر*، ج ۵۷، ص ۵۶۴ - ۵۶۳.

۵. انعام / ۹۰؛ احزاب / ۲۱؛ فصلت / ۳۳.

۶. فرقان / ۵۷؛ شعراء / ۱۶۴.

۷. احزاب / ۳۹.

۸. شعراء / ۲۱۵.

۹. ق / ۴۵؛ ذاریات / ۵۵.

۱۰. شوری / ۴۸؛ یس / ۱۷.

۱۱. نیز بنگرید: آل عمران / ۱۵۹.

۱۲. طبری، *جامع البیان*، ج ۲۷، ص ۱۴۹.

۱۳. طه / ۱۱۴.

۱۴. توبه / ۱۲۸.

مهیا می‌شود، ظهور و بروزش با دانشجو هنگام تدریس معنا پیدا می‌کند؛ و گرنه هر یک از این موارد می‌تواند وجه اشتراکی در تمام زمان‌های تدریس (قبل، حین و بعد از تدریس) باشد.

الف) پاکیزگی و آراستگی ظاهری

تدریس فرایند دشوار و مهمی است که در این فرایند، استاد رسالتی بس بزرگ بر عهده دارد که در واقع بزرگ‌ترین رسالت وی همان شخصیت دادن به فراگیران و مخاطبان خود است. عناصر و عوامل متعددی در این زمینه اثرگذار و نقش‌آفرین هستند که از جمله آن‌ها وضع ظاهری استاد است که تأثیر مستقیم بر روحیه فراگیران و در نتیجه اثربخشی مستقیم بر تدریس دارد؛ زیرا واکنش آنان به چیزی که می‌بینند به اندازه چیزی است که می‌شنوند. افزون بر تسلط علمی استاد و توانایی‌های وی در حیطه شناختی و علمی و عملکردی و مهارتی، رفتار و کردار استاد نیز در فرایند تدریس از اهمیت خاصی برخوردار است. استاد باید از لحاظ رفتار و اخلاق، الگوی مناسبی برای فراگیران باشد تا بتواند رسالت مهم پرورشی و تربیتی خود را به انجام رساند و ضمن برقراری ارتباط مؤثر و سازنده با فراگیران، به بهترین وجه تأثیرگذار باشد. آراستگی در برقراری و استحکام روابط تأثیرگذار است و این حقیقت انکارناپذیر در سراسر هستی مشهود است. پیشوایان ما نیز به اهمیت آن اشاره داشته و خود پیش از هر شخص دیگری آن را به کار بسته و از محبوبیت آراستگی نزد خداوند خبر داده‌اند.^۱

مدرّس باید با آمادگی لازم و ظاهری تمیز و آراسته وارد کلاس درس شود و قصد وی از آراستن ظاهر و توجه به پوشش، تقدیر از علم و دانش و ارج نهادن به شریعت مقدس اسلام باشد. به لباس فاخر و گران‌بها اهمیت ندهد، بلکه او باید جامه‌ای بپوشد که وقار و متانت او را حفظ و دل‌های ناظران را به وی جلب کند. احادیث و نصوصی که به ما رسیده همه حاکی از آن است که باید اعضای برجسته هر مجمع و مجلسی لباسی را انتخاب کنند که وقار آفرین باشد و قلوب مردم را جلب کند و حتی همه مردم در تمام فرصت‌هایی که در میان اجتماع به سر می‌برند باید از چنان لباس‌هایی استفاده کنند و بکوشند رنگ لباسشان متناسب با جلسه درس باشد. همچنین باید سعی کنند به جای لباس فاخر و گران‌بها، لباسی بپوشند موجب وقارشان شود. مرحوم کلینی در *الکافی* ضمن کتاب «تجمل؛ آداب آرایش و پیرایش در اسلام» اخبار و احادیث صحیح و معتبری در این زمینه آورده است.

ب) خوش‌رو بودن

مدرس باید با همه شاگردانش خوش‌اخلاق و خوش‌رفتار باشد و از شاگردان فعال و ممتاز کلاسش

۱. طوسی، *الامالی*، ج ۱، ص ۲۷۵؛ کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۴۴.

قدردانی کند. او باید به شاگردانش محبت و ابراز علاقه کند و به آنان احترام بگذارد؛ چراکه این امر باعث اعتماد شاگردان به او می‌شود و شخصیت مدرس در نزد شاگردان بالا می‌رود.

درواقع برخورد با روی گشاده همراه با لبخند واقعی، دانشجو را راغب به ایجاد ارتباط با استاد می‌کند و نمادی است از اینکه من آماده‌ام پرسش‌های شما را بشنوم و آلماتان را التیام بخشم. البته باید توجه داشت که افراط در این امر نیز موجب از بین رفتن وقار استاد و خارج شدن کلاس از حالت آموزشی می‌شود.

از نشانه‌های معلمان شایسته رأفت و محبت آنان به شاگردان خویش است. اگر معلمی در جلسه درس رفتاری خشن، تکبرآمیز و همراه با زور و تهدید در پیش گیرد، هرگز در امر تربیت توفیق نخواهد یافت. درمقابل مهرورزی، فروتنی و نرمش وی در برخورد با شاگردانش دل و ذهن آنان را به او متمایل می‌کند و با تمام وجود آموخته‌های معلم را دریافت خواهند کرد. خداوند این رمز توفیق در امر تعلیم و تربیت را این‌گونه به پیامبر خود یادآور می‌شود: «واخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنین؛^۱ و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر [و با آنان متواضع و فروتن باش].»

رسول گرامی اسلام ﷺ خود نیز خطاب به همه معلمان فرمودند: «لینوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه؛^۲ با کسانی که به شما علم می‌آموزند یا شما از آنان درس فرامی‌گیرید، مهربان و نرم‌خو باشید؛ به‌گونه‌ای که بتوانند همه شاگردان را به خود جذب کنند و دل‌های آنان را به دست آورند؛ چنان که خداوند در آیه ۴۴ سوره مبارکه طه می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا؛^۳ با او به‌نرمی سخن بگویید.»

لطافت و نرمی در گفتار متکلم، مخاطبان را به‌سوی او جذب می‌کند و این خود یکی از عواملی است که باعث می‌شود درس‌ها و پند و اندرزهای متکلم در مخاطبان تأثیر بنهد. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۴ می‌فرماید: «قولوا للناس أحسن ما تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ فِیکُمْ؛^۴ با مردم با بهترین نوعی که دوست دارید با شما سخن گفته شود سخن بگویید.»

ج) احترام و توجه به شخصیت دانشجویان

در فرهنگ اسلامی اصل بسیار مهم تربیتی که از مرحله کودکی به بعد مطرح است، حفظ شخصیت و توجه به عزت نفس انسان است. بنابراین یکی از عوامل مهم در امر تعلیم و تربیت، ایجاد ارتباط مناسب همراه با نرمی و ملاحظت با فراگیران است. استادی که در آموزش علم و دانش از رفتاری توأم با حُسن

۱. شعراء / ۲۱۵.

۲. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۶۹.

۳. بقره / ۸۳.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ج ۱، ص ۳۰.

تفاهم، اعتماد و احترام به شخصیت دانشجویان برخوردار است، در تعلیم و انتقال مفاهیم علمی عملکرد مناسب‌تری دارد.

تقویت روحی فراگیران با کلمات محبت‌آمیز و افزایش حس اعتماد به نفس در آنان و احترام به شخصیت فراگیران، تأثیر بسزا در تقویت حس عزت نفس آنان دارد و آن‌ها را به آینده امیدوار می‌کند. در صورت عکس آن نیز، فراگیران آزرده و رنجیده‌خاطر یا کسانی که به دلیل عملکرد نامناسب و برخورد غیرمنطقی استاد، گرفتار عوارض احساسی و عاطفی منفی در کلاس می‌شوند به جای توجه به مطالب آموزشی، متوجه منبع ناراحتی خود می‌شوند و از آموختن غافل می‌مانند. مدرّس باید در بحث و گفت‌وگو با شاگردانش منصف باشد و اگر مطالب مفید از شاگردی شنید، به ارزش آن اعتراف کند؛ چراکه این رفتار از برکات مدرّس و دانش است.

برکت علم در انصاف است و اگر کسی منصف نباشد، نه می‌تواند مطلبی را بفهمد و نه آن را بفهماند. مدرّس باید به پرسش‌های بجای شاگردانش بدون تکبر گوش دهد و نباید به شاگردان با استعدادش حسادت ورزد.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند. شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را. شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید. بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آن‌ها که توبه نکنند، ظالم و ستم‌گرند.»^۱

آری، تکریم و خطاب کردن محترمانه نوعی بزرگداشت شخصیت شاگردان است که علاوه بر جذب قلوب آنان، اعتماد به نفس را نیز در وجودشان تقویت می‌کند و در کمال شخصیتشان مؤثر است.

د) کرامت علمی

کرامت یعنی اینکه استاد آخرین اندوخته‌های علمی خود را در اختیار دیگران قرار دهد؛ برخلاف بعضی از استادان که در گشایش برخی رمزهای علمی بخل می‌ورزند، سطح تعلیم و تدریس خود را متناسب با قدرت درک و فهم و توانایی پذیرش شاگردانش قرار دهد و آموزشش تنها انتقال یک سری اطلاعات و معلومات نباشد، بلکه معیارها و قوانین کلی را در علم و دانشی که تدریس می‌کند به شاگردانش بیاموزد و سودمندترین، درست‌ترین و کاراترین آموزه‌هایی را که بدان‌ها دست یافته است به ایشان منتقل کند. از آفت‌های آموزش و تدریس چون بخل‌ورزی در آموزش و پنهان داشتن دانسته‌ها، کسب نکردن آمادگی علمی پیش از تدریس، خودرأیی و خودمحوری در آرا و نظرهای علمی بپرهیزد و همچنان در یادگیری و دانش‌اندوزی کوشا باشد و از

فراگیری نادانسته های خویش سر باز نزد تا بدین وسیله به موفقیت هرچه بیشتر در عرصه تعلیم و تدریس دست یابد و آموزشش اثرگذاری و ثمربخشی کامل تری را به دنبال داشته باشد.
امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

چون علم را شنیدید، به کارش بندید، و باید دل‌های شما گنجایش داشته باشد (زیادتر از استعداد و حوصله خود علم را فرانگیرید)؛ زیرا چون علم در دل مرد به قدری زیاد شود که نتواند تحمل کند، شیطان بر او مسلط شود. پس چون شیطان با شما به دشمنی برخاست، با آنچه می‌دانید به او روی آورید؛ زیرا نیرنگ شیطان ضعیف است. [اروی گوید] گفتم آنچه می‌دانیم چیست؟ فرمودند: با او مبارزه کنید به آنچه از قدرت خدای عزوجل برای شما هویدا شده است.^۱

مدرّس باید علم و دانش خود را به کسانی که شایسته دریافت آن هستند آموزش و تعلیم دهد؛ چون همان‌طور که خداوند از انبیا در نشر و ابلاغ حقایق به مردم پیمان گرفت که دریغ نوزند، از دانشمندان نیز در تعلیم علم به افراد نیازمند پیمان گرفت که سعی خود را در نشر و ترویج علم به کار گیرند.
امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَأْخُذْ عَلِيَّ الْجُهَّالَ عَهْدًا بَطَلَبِ الْعِلْمِ حَتَّىٰ أَخَذَ عَلَيَّ الْعُلَمَاءُ عَهْدًا يَبْدِلُ الْعِلْمَ لِلْجُهَّالِ،
لِأَنَّ الْعِلْمَ كَانَ قَبْلَ الْجُهْلِ.^۲

خداوند از نادانان پیمان نگرفت که جویای دانشمندان باشند؛ مگر آنکه قبلاً از دانشمندان پیمان گرفت که علم و آگاهی خویش را در اختیار نادانان قرار دهند؛ زیرا دانش در مرحله‌ای قبل از نادانی وجود داشته است.

نکته دیگر اینکه مدرّس باید در آموزش و تعلیم بین مخاطبان خود تفاوت نگذارد. امام صادق علیه السلام ضمن تفسیر آیه هجده سوره لقمان، «وَمَا تُصَعِّرُ خَدَّكَ لِلنَّاسِ»، می‌فرمایند: «باید همه مردم از لحاظ دریافت‌های علمی در دیدگاه تو، برابر باشند.»^۳

ه) پرهیز از گفتن همه دانستنی‌ها

لَيْسَ كُلُّ مَكْتُومٍ يَسُوعُ أَظْهَارُهُ لَكَ وَ لَا كُلُّ مَعْلُومٍ يَجُوزُ أَنْ تَعْلَمَهُ غَيْرُكَ.^۴

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۵۱.

۳. همان.

۴. ابن‌ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۲۰، ص ۳۳۶.

جایز نیست هر آنچه را پنهان است آشکار کنی و نیز مجاز نیستی هر آنچه را می‌دانی به دیگری بیاموزی.

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ * أَنَّهُ قَالَ يَوْمًا لِحَدِيقَةَ بْنِ الْيَمَانِ يَا حَدِيقَةُ لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ فَيَطُغُوا وَيَكْفُرُوا.^۱

امیر مؤمنان به حدیقه فرمودند: به مردم آنچه نمی‌دانند مگو؛ زیرا چه بسا به طغیان و کفر آن‌ها منجر می‌شود.

روشن است که میزان فهم و ظرفیت و درک متعلمین با یکدیگر تفاوت فاحش دارد و بسیاری از دانسته‌های استاد برای آن‌ها قابل درک و هضم نیست. گاه شنیده می‌شود استادی برای جذابیت درس و کلاس خود به طرح مسائلی می‌پردازد که با عقل «دو تا چهار تا»ی متعلم سازگار نیست و پذیرش آن مطلب برایش بسیار سخت می‌نماید. لذا دانشجو آن‌ها را خرافه می‌انگارد، انکار می‌کند و چه بسا استاد خویش را نیز شخصی غیر منطقی و خرافی می‌خواند و به دیگر سخنان منطقی و مستدل او نیز با دیده تردید و دودلی می‌نگرد و همچنین موجب وهن دین و تعالیم ارزشمند و انسان‌ساز آن می‌شود. به این ترتیب، استاد مرتکب خطای فاحش و گرفتار خسارتی سنگین می‌شود؛ چراکه اگر متعلم گمان برد که این سخنان در زمره آموزه‌های دینی‌اند، به اصل دین و دیگر آموزه‌های آن نیز بدبین و در دین‌داری خویش دچار تزلزل و انحراف می‌شود.

و) شجاعت در تدریس

مدرّس باید به مقدار توانایی خویش حق را بدون مجامله و سازش‌کاری اظهار کند و اگر مشاهده کرد شخصی از حق روی‌گردان شده است یا در کیفیت اطاعت او از خداوند متعال کوتاهی و نارسایی وجود دارد، باید در مرحله اول از طریق لطف و محبت و با عامل مهر و نرمش او را نصیحت کند.

استفاده از عوامل بازدارنده و بهره‌گیری از قانون امر به معروف و نهی از منکر در ارشاد مردم به حق و حقیقت، با شرایط متنوع و سنگین‌تر ویژه استادان و فرهیختگان است و باید آنان نسبت به سایر طبقات مردم احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند؛ زیرا تأثیر بیشتری بر جامعه دارند. به همین دلیل، پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «هنگامی که بدعت‌ها در امت من پدید آید، عالم باید علم خود را اظهار کند و اگر عالم آگاهی‌ها و علم خود را در زدودن بدعت‌ها اظهار نکرد، ملعون و مطرود از رحمت خداست.»^۲ بنابراین مدرّسان علوم دینی با آمیزه حکمت و استواراندیشی و ژرف‌نگری با ابزار نصیحت‌های دلنشین و عاملانه (عمل به آنچه می‌گوید) جامعه را در مسیر بندگی خدا قرار می‌دهند.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۷۰؛ شهید ثانی، منیة المرید، ص ۶۵.

مهم‌ترین عامل برای حس پذیرش دینی در مردم این است که راهنمایان دینی چشم طمع خویش را از مردم و اموال آن‌ها بردارند. اگر مدرّس بخواهد شاگرد گوش شنوایی برای او داشته باشد، نباید به مطامع دنیوی و اموال او چشم بدوزد؛ زیرا اگر شاگرد بفهمد که راهبر دینی‌اش به او و اموالش چشم طمع دوخته است، از او و علم و دانش وی دلزده و به آن بی‌اعتنا می‌شود و در نتیجه نظام حیات دینی‌اش رو به اضمحلال می‌رود. اگر هدف و مقصد مدرّس علوم دینی از وجهه الهی برخوردار باشد و اطاعت از فرمان الهی را هدف خود قرار دهد، ارشادات و راهنمایی‌هایش در قلوب شاگردان و حتی توده مردم راسخ می‌شود و آنان در برابر دستورهای چنین فردی سر تسلیم فرود می‌آورند و در مسیر صراط مستقیم قرار می‌گیرند.

ز) برقراری اعتدال در کلاس

مدرّس نباید در اظهار محبت و توجه به شاگردان در صورتی که از لحاظ سن و فضیلت و دین‌داری تقریباً برابر هستند، تبعیض و تفاوتی قائل شود؛ زیرا تبعیض موجب ناراحتی‌های روانی و بیگانگی روحی شاگردان از یکدیگر می‌شود، اما اگر بعضی شاگردان از لحاظ تحصیل و حسن ادب بر دیگران برتری داشته باشند، مدرّس باید از آنان تقدیر کند و آنان را از لحاظ محبت بر دیگر شاگردان ترجیح دهد و سبب احترام و تقدیر از او را به شاگردان متذکر شود. این تبعیض اشکالی ندارد؛ چراکه موجب تلاش و حس رقابت در شاگردان می‌شود.

عدالت در نگاه: مدرّس باید مکان نشستن خود را طوری تنظیم کند که بر همه اعضای کلاس درس تسلط و توجه داشته باشد. همچنین باید در نگاه و توجه کردن به شاگردان عدالت را رعایت کند. وقتی شاگردی از او سؤال می‌کند، باید توجه و نگاه خود را به وی متوجه سازد. تخصیص و انحصار التفات و توجه به افراد که بالا نشسته‌اند و محدود ساختن نگاه به افراد مشهور شیوه جباران و ریاکاران است.

عدالت در خطاب: طلحة بن زید در تفسیر آیه «وَكَا تُصَعِّرُ حَدَّكَ لِلنَّاسِ» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «لِيَكُنَّ النَّاسُ عِنْدَكَ فِي الْعِلْمِ سَوَاءً»^۱ یعنی باید همه مردم از لحاظ دریافت‌های علمی در دیدگاه تو، مساوی و برابر باشند و باید سهم و بهره از علم را به‌طور مساوی به آن‌ها بپردازد و در میان آن‌ها تبعیض روا نداری.

ح) خویشتن‌داری

در آیه ۳۴ سوره فصلت به حلم و خویشتن‌داری سفارش شده است. این آیه به یکی از آثار درخشان حلم و خویشتن‌داری اشاره کرده و دستور داده است که با برخورد نیک و ابراز محبت و عکس‌العمل نیکو در

۱. ابن‌شعبه حرانی، *تحف العقول*، ج ۴، ص ۳۷۴.

بایسته‌های اخلاقی مدرّس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها از منظر معارف حدیثی □ ۱۰۷

برابر ناملایمات، زندگی را برای خود آرام کنید؛ زیرا در این صورت، دشمنی‌ها و کینه‌ها به دوستی تبدیل، شعله‌های فتنه‌ها خاموش و جامعه به همسویی و مهر و محبت و برادری سوق داده می‌شود.

اگر استاد در برابر ناملایمات با صبر و تحمل و برخورد محبت‌آمیز رفتار کند، علاوه بر ایجاد اعتماد به نفس و احساس امنیت در فراگیران خود، زمینه شکوفایی استعدادهای آن‌ها را نیز فراهم می‌سازد. صبر و بردباری استاد و حفظ خونسردی وی در مقابل رفتار و واکنش مختلف فراگیران (صحبت کردن در کلاس، به هم زدن نظم کلاس، عدم توجه به گفتار و تذکرات استاد، حضور در کلاس با ظاهری غیراسلامی و...)، آزرده نشدن استاد از انتقادهایی که درباره او می‌شود، عدم موضع‌گیری سریع و غیرمنطقی در برابر آرا و عقاید مخالف و تحمل شنیدن آن‌ها و... موقعیت‌های مختلفی است که می‌تواند نشانگر سعه صدر، خویش‌داری و حوصله استاد باشد و به‌کارگیری تدبیر شایسته و مناسب در هر مورد زمینه راهنمایی و هدایت فراگیران را فراهم آورد و در پیشرفت تحصیلی آن‌ها مؤثر است. معلم خوب می‌باید با اقتدا به انبیای الهی سعه صدر و بردباری و قدرت تفهیم و اثرگذاری را از خدای متعال مسئلت کند و کار خود را به نحو احسن انجام دهد.^۱

ی) انتقادپذیری

آیات و روایات بسیاری بر این معنا دلالت دارند که مؤمنان و باورمندان نباید به افراد چاپلوس و کسانی که همواره از خوبی‌ها سخن می‌گویند و بر سستی‌ها سرپوش می‌گذارند میدان دهند و اینان باید دوستانی برگزینند که در کنار ستایش، به نقد رفتار و کارکرد آنان نیز بپردازند و مثل آینه خوبی و بدی، شایستگی‌ها و کاستی‌ها را بر آنان بنمایانند.^۲

کمترین نکته‌ای که از این روایات استنباط می‌شود آن است که نقد کردن دیگران در عمل در جامعه اسلامی ارزش محسوب می‌شود و نقدپذیری نیز در فرهنگ شیعی جایگاه اساسی دارد و حیطة نقّادی و نقدپذیری نیز تنها به مسائل فردی، شخصی و دینی خلاصه نمی‌شود و شامل حیطة‌های سیاسی و اجتماعی نیز می‌شود.

حضرت مسیح علیه السلام فرمودند:

حق و حقیقت را هر جا و از هر کس یافتید بپذیرید، گرچه از اهل باطل باشد، و باطل را اگرچه از زبان اهل حق باشد، نپذیرید. هماره سخنان را نقد کنید؛ زیرا چه بسا گمراهی

۱. طه / ۲۸ - ۲۵.

۲. ذاریات / ۵۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۳۲؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۳۹.

به وسیله آیه‌ای از کتاب خدا آراسته شده باشد، مانند آمیختن درهمی از مس با نقره، و انسان را بفریبید و به اشتباه افکند. از این رو، در نگاه نخست درهم خالص و ناخالص یکی می‌نماید و کارشناسان تیزهوش می‌توانند سره از ناسره آن را بازشناسند.^۱

در این تعلیم حکیمانه، مفهوم انتقاد و جایگاه نقادان آگاه در جامعه و بایستگی آن به روشنی بیان شده است؛ یعنی کورکورانه تسلیم نشوید؛ خواه گوینده صالح باشد خواه ناصالح. درباره اصحاب کهف نیز آمده که آنان صراف بودند، البته نه صراف طلا و نقره، بلکه «کانوا صیارفة الکلام»^۲؛ صراف سخن بوده‌اند؛ یعنی مردمان حکیمی بودند و وقتی سخنی به آن‌ها عرضه می‌شد، آن را با نقادی می‌سنجیدند. استاد و معلم نیکی‌ها نیز نباید خود را کامل بینگارد، دست رد به سینه خیرخواهان بزند و هدیه آنان را رد کند، بلکه باید بداند که رشد او و نیز تأثیرگذاری هرچه بیشتر روی متعلمان در گرو این صفت انسانی است.

ک) تواضع و فروتنی

مدرّس نباید با شاگردانش رفتار تکبرآمیز داشته باشد، بلکه باید نرم‌خو و فروتن باشد. فروتنی یعنی تسلیم در برابر حق، احترام به هموعان و شناسایی مقام واقعی خود و حقوق دیگران و اعتراف به آن، که همگی از ثبات روحی و آرامش روانی سرچشمه می‌گیرد. تواضع و فروتنی یکی از خصلت‌های پسندیده‌ای است که در تعالی شخصیت انسان نقش مهمی دارد و او را جاودانه می‌سازد. بنابراین استاد خردمند و فرزانه حتماً متواضع و مؤدب است.

البته هرگونه افراط و تفریط در این صفت نفسانی موجب سقوط و انحطاط اخلاقی می‌شود و از قرب و منزلت انسان نزد دیگران می‌کاهد؛ چه اینکه اگر تواضع از حد گذشت، تبدیل به صفت مذموم اخلاقی به نام «خودکم‌بینی» می‌شود که در نهایت موجب ذلت، حقارت و هتک حرمت انسان می‌شود و طبیعی است که کلام چنین فردی نافذ نخواهد بود و در نتیجه نمی‌تواند در عمق روح و روان مخاطبان تأثیرگذار باشد.

از سوی دیگر، عدم توجه به این ویژگی منجر به بروز کبر و خودپسندی و بالتبع خودستایی می‌شود که خطرهای زیادی از نظر اجتماعی و اخلاقی برای سعادت انسان دارد و در واقع آفت علم، عقل، شرف و شخصیت اوست که همچون پرده‌ای روی عقل را می‌پوشاند و آن را از درک حقیقت بازمی‌دارد. از این رو باید توجه داشت که در کلاس از سخن‌سرایی درباره فضایل خویش در زمینه‌های مختلف، سابقه تدریس، میزان تألیفات و... اجتناب شود. بدین ترتیب رعایت اصل اعتدال در تخلّق به این خصیصه اخلاقی آشکار می‌شود.

۱. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۷۱.

۲. مطهری، *اسلام و مقتضیات زمان*، ج ۱، ص ۲۸۶.

البته گاه استاد مجبور می‌شود برای اینکه دانشجو را با اهمیت درس آشنا یا به نقش پشتکار در زندگی اشاره کند، از خود مثال بزند، که این امر غیر از خودستایی است.^۱

میان مدرّس و شاگرد حق مصاحبت و هم‌نشینی و احترام در رفت‌وآمد و ملاقات‌ها و برخوردها وجود دارد. پیامبر ﷺ فرمودند: «با کسی که علم را به او می‌آموزید یا از او علم را فرامی‌گیرید نرم و ملایم باشید.»^۲ بنابراین مدرّس باید با شاگردانش خوش‌خلق و بامحبت، دلسوز و اهل احسان از طریق علم‌آموزی به آنان باشد و شایسته است که همه شاگردان و به‌خصوص شاگردان برجسته را با بهترین نام‌ها مورد خطاب قرار دهد؛ به‌طوری‌که موجب حفظ ارزش و منزلت آنان شود.

رسول خدا ﷺ برای رعایت احترام و بزرگداشت شخصیت یاران خویش، از آنان با کنیه و نام و عنوان محبوب آن‌ها یاد می‌کردند؛ زیرا آن حضرت از این طریق می‌توانستند و موفق می‌شدند قوّت قلب بیشتری به یاران و اصحاب خود ببخشند و عرصه و مجال درخواست و تقاضاهای آن‌ها را گسترده سازند و محبت آن‌ها را بیش از پیش به خود جلب کنند.^۳ بدیهی است رعایت احترام و بزرگداشت شخصیت دیگران درباره افرادی که آینده‌ساز جامعه هستند لازم‌تر و ضروری‌تر است.

گاهی محبت و احترام به شخصیت شاگرد به جای اینکه او را به فضایل اخلاقی و ترک رذایل رهنمون شود، وی را مغرور می‌سازد و موجب خودباختگی او می‌شود. در چنین صورتی، مدرّس باید مراقب باشد که چه نوع رفتار و روشی را با شاگردان مختلف در پیش می‌گیرد. در برخی موارد مدرّس ناگزیر می‌شود برای نهدی از تخلف، با خشونت و شدت لحن برخورد کند و به جای نرمش، از خشونت استفاده کند. امام علی علیه السلام نیز فرمودند: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ سَادَ يَعْلَمُهُ؛^۴ هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین‌دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می‌رسد.»

سه. بعد از تدریس

فرایند تدریس تنها در کلاس حاصل نمی‌شود، بلکه این فرایند پیش از کلاس شروع می‌شود و تا پس از کلاس نیز ادامه دارد. بنابراین استاد معارف اسلامی بعد از تدریس در کلاس می‌تواند با عملی کردن گفتار خود در خارج از کلاس و ارتباط مداوم با دانشجویان و حمایت و پشتیبانی از آنان در مباحث علمی، گام مهمی در نهادینه کردن فرهنگ دینی و اسلامی در جامعه و دانشگاه بردارد.

۱. شعراء / ۲۱۵.

۲. شهید ثانی، منیه المرید، ص ۶۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۶.

الف) ارتباط مداوم با دانشجویان

ارتباط با دانشجو در سطح علمی، فقط ابعاد لفظی و کلامی نیست. در ارزیابی‌مان باید دقت داشته باشیم که پیام‌های پنهان جنبه ارتباطی ما از آن مواردی است که گاهی متوجه نیستیم و این نقش اساسی در ارتباط با دانشجویانمان دارد. به اصطلاح روان‌شناسی، زبان و چهره یک بعد از ارتباط را به وجود می‌آورد. باید در این رابطه بدانیم که چهره استاد، نوع نشست‌وبرخاستش، تکیه‌کلام و نوع تکان دادن دست و امثال آن، همه تأثیر دارد. خود ما هم در ارزیابی‌مان باید دقت داشته باشیم که پیام‌های پنهان جنبه ارتباطی ما از آن مواردی است که گاهی متوجهش نیستیم و بسیاری از چیزهایی که در مقوله ارتباط به آن فکر می‌کنیم، پنهان است. ما باید به مسئله پیام‌های پنهانی که در نوع رفتار و گفتار و ارتباطمان با دانشجو وجود دارد بیندیشیم.

با توجه به اینکه در چندین جای قرآن به سخن گفتن زیبا و منطقی سفارش شده است، باید به بیان چگونگی سخن گفتن پرداخت و کلامی را حائز اهمیت دانست که با روی خوش بیان شود و بر دل مخاطب اثر گذارد.^۱

از نظر روانی و عاطفی، لحن و آهنگ کلام در ارتباطات متقابل تأثیر مطلوب و نامطلوب دارد؛ گاه اگر سخن با لحن خشن و صدای شدید القا شود، آرامش انسان را به هم می‌ریزد، تأثیر منفی در روحیه طرف مقابل می‌گذارد و وی را عصبانی می‌کند؛ و گاه لحن نرم و آرام غضب و عصبیت را فرومی‌نشاند. به همین جهت، قرآن برای ایجاد ارتباطی سازنده، لحن خوش و مناسب را در گفتار توصیه می‌کند.^۲ این آیات به ما می‌آموزد که برای نفوذ در دل دیگران، از چه راهی باید وارد شد و چگونه با افراد لجوج و لجام‌گسیخته‌ای چون فرعون، رفتاری هدفمند و ارشادی داشت. اساساً هر مکتبی باید جاذبه منطقی داشته باشد و کسی که داعیه رهبری آن را برعهده دارد، باید با سعه صدر، منطقی محکم و دلیل متین و روشن حکم کند. از این‌رو، نخستین دستور قرآن برای نفوذ در دل مردم (هرچند افراد گمراه و آلوده) برخورد ملایم و همراه با مهر و عواطف انسانی و نیز توسل به خشونت در مرحله‌ای است که برخوردهای دوستانه و منطقی مؤثر نباشد.

توجه به شیوه برخورد حضرت موسی علیه السلام با فرعون بسیار آموزنده است. حضرت موسی علیه السلام با بیانی حاکی از لطف و نرمش به فرعون گفتند: «فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَهٌ إِلَّا أَنْ تَرْكَبُنِي * وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى؛^۳ آیا برای تو رغبتی هست که پاکیزه شوی و من تو را به پروردگارت راه بنمایم و تو پروا کنی؟»

۱. شعراء / ۲۱۵؛ فرقان ۳۷ - ۳۶؛ شوری / ۷۳؛ نساء / ۶۸؛ توبه / ۱۶؛ زمر / ۷۱ و ۸۱

۲. لقمان / ۹۱؛ طه / ۴۴؛ محمد / ۳؛ بقره / ۳۸؛ اسراء / ۳۵؛ طه / ۴۴.

۳. نازعات / ۱۹ - ۱۸.

ب) هماهنگی گفتار و کردار

مدرّس باید مراقب رفتار و کردار خویش باشد تا بین گفتار و رفتارش ناهماهنگی ایجاد نشود؛ یعنی نباید سخنی را بگوید که خود مقید به انجام آن نیست؛ چراکه شاگرد استاد خود را به‌عنوان الگو و شاخص خود می‌داند. بنابراین رفتار و کردار وی را به‌دقت مشاهده می‌کند. پس اگر بین گفتار و رفتار استاد تعارض باشد، شاگرد نیز اعتماد خود را به وی از دست می‌دهد و دیگر خود را مطیع استاد نمی‌داند. علاوه بر آن گفتاری که بدون عمل باشد تأثیری در شاگردان و مستمعان نخواهد داشت. بنابراین باید رفتار مدرّس با گفتارش هماهنگ و رفتارش تأییدکننده گفتارش باشد.

کلام زمانی بر دل نفوذ می‌کند که همگام با عمل باشد. در معارف اسلامی، استاد زمانی اثرگذار است که تمام حرکات و سکناتش مطابق با گفته‌هایش باشد و طبق موازین علوم دینی رفتار کند. دانشی که صرفاً بر زبان جاری شود و بدان عمل نشود از جایگاهی برخوردار نیست. علمی برتر است که در تمام اندام آدمی هویدا باشد.^۱ خداوند نیز کسانی را که دیگران را به انجام کارهای پسندیده دعوت می‌کنند، ولی خود به علم و آگاهی خویش عمل نمی‌کنند سرزنش کرده است.^۲ از این رو، هر استادی اگر بخواهد تدریسش مورد قبول دانشجو قرار گیرد و به او اعتماد کند و او را الگوی خود قرار دهد، ابتدا باید در عمل به گفته‌هایش همت بگمارد و رفتارش را متناسب با گفتارش کند. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۳ می‌فرمایند: «علما و دانشمندان خداترس کسانی هستند که عمل آنان گفتارشان را تأیید کرده است و با آن هماهنگی دارد.»^۴ اگر استادی کردارش با گفتارش همخوانی نداشته باشد، نه‌تنها موجب هلاکت خود،^۵ بلکه موجب ضلالت و گمراهی دانشجو نیز می‌شود. در معارف حدیثی، علم و عمل قرین یکدیگرند: آن که می‌داند عمل می‌کند و آن که عمل می‌کند می‌داند.^۶

ج) حمایت از دانشجو در محیط دانشگاه

رابطه استاد و دانشجو به انتقال صرف دانش محدود نیست، بلکه در کنار مسائل علمی، دانشجو با شخصیت استاد خود همانندسازی می‌کند. بنابراین رابطه تعاملی مثبت استاد و دانشجو حمایت اجتماعی مهم تلقی می‌شود که می‌تواند دانشجو را در برخورد با مسائل مختلفی یاری کند. این مسئله به‌ویژه در دانشجویانی که از

۱. نهج البلاغه، حکمت ۹۲.

۲. بقره / ۴۴.

۳. فاطر / ۲۸.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۸۷.

۵. همان، ص ۱۰۸.

۶. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶.

خانواده خود دورند و در خرده فرهنگ‌هایی وارد شده‌اند که با چارچوب زندگی‌شان متفاوت است، بیشتر دیده می‌شود. این گروه از دانشجویان با دور شدن از خانواده و کمتر شدن حمایت آن‌ها، به نقش استاد بیشتر نیازمند هستند. حمایت استادان از دانشجویان، علاوه بر تأثیر مثبت بالایی که بر خود دانشجو می‌گذارد، آسایش خاطر خانواده‌های آنان را نیز فراهم می‌کند؛ زیرا خانواده‌ها اطمینان دارند جوانانشان در کنار استادان فرهیخته‌ای هستند و می‌توانند مشکلات خود را با او در میان بگذارند و از همفکری و تبادل نظر با او بهره‌مند شوند.

نتیجه

با توجه به اینکه کارآمدی نظام آموزشی و بالاخص آموزش عالی به بهبود کیفیت عملکرد استادان دانشگاهی وابسته است و استادان نیز به‌عنوان شکل‌دهنده اندیشه‌های علمی دارای ارزش‌ها و البته مسئولیت‌های اجتماعی فراوانی هستند، باید متناسب با این مسئولیت‌ها و به منظور تربیت و آموزش دانشجویان، بر داشته‌های علمی، فکری و کیفیت عملکرد خویش بیفزایند.

مطرح کردن اخلاق استادی به ذکر آدابی که معلم موظف به رعایت آن‌هاست از گذشته کم‌وبیش مورد توجه بوده، وجود اخلاق در انجام وظایف از شروط لازم در هر شغل و محیط کاری است. از آنجاکه محیط‌های آموزشی و بالاخص دانشگاه‌ها وظیفه‌ای خطیر در جهت تربیت افراد و رشد و توسعه جامعه ایفا می‌کنند، این ضرورت در این‌گونه محافل اهمیت بیشتری به خود می‌گیرد؛ چراکه توجه به رشد اخلاق حرفه‌ای در آموزش منجر به پرورش محیطی اخلاقی در کلاس درس خواهد شد.

یکی از کارآمدترین و موفق‌ترین روش‌های تربیت پیدا کردن نمونه عملی و الگوی مطابق با اهداف و پیروی از اوست که هر انسانی به‌طور طبیعی، فرد یا افرادی را به‌عنوان الگو و راهنمای عملی خویش برمی‌گزیند. هرچند رعایت مسائلی همچون ادب در کلام، وقار در رفتار و به‌طور کلی حفظ شئون استادی اختصاص به دروس معارف ندارد، از آنجاکه برای دروس معارف اهداف تربیتی مضاعفی نیز در نظر گرفته شده است، این دروس از قداست خاصی برخوردار شده و وظیفه استادان آن را سنگین‌تر ساخته‌اند. بهترین راهکار برای بهبود اخلاق تدریس تلاش در جهت تهیه و تدوین منشور اخلاقی در دانشگاه‌ها با کمک مسئولان امر و صاحب‌نظران و نهادینه کردن این امر در دانشگاه‌هاست.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، تحقیق و تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.

بایسته‌های اخلاقی مدرّس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها از منظر معارف حدیثی □ ۱۱۳

- ابن‌ابی‌الحدید، عبد‌الحمید بن هبة‌الله، *شرح نهج‌البلاغه*، تحقیق و تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- حلی، عزالدین بن سلیمان، *مختصر البصائر*، تحقیق مشتاق مظفر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل‌ابی‌طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ابن‌مسکویه، ابوعلی، *کیمیای سعادت*، ترجمه تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، اساطیر، ۱۳۸۱.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، دار التفسیر، ۱۴۱۷ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۰۹ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ ق.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
- حق‌پناه، رضا، «انتقاد و انتقادپذیری»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی (اندیشه حوزه سابق)*، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۱۲۷، ۱۳۸۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، ترجمه حسین خداپرست، قم، نوید اسلام، چ ۲، ۱۳۷۸.
- ژکس، *فلسفه اخلاق*، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- شعبانی، حسن، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی*، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، *منیة المرید فی آداب المفید و المستفید*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۵ ق.
- طبری، محمد بن حسن، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، رضی، ۱۳۷۵.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب العین*، تهران، دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.
- فیض کاشانی، محسن، *الحقایق فی محاسن الاخلاق*، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۷۸ ق.
- فیض کاشانی، محسن، *الصادق*، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۲ ق.

- فیض کاشانی، محسن، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، النشر الاسلامی، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق و تصحیح دار الحدیث، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- محدث نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- مدرس، رضا، *فلسفه اخلاق*، تهران، سروش، ۱۳۷۶.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- مطهری، مرتضی، *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران، صدرا، ۱۳۶۲.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ ق.